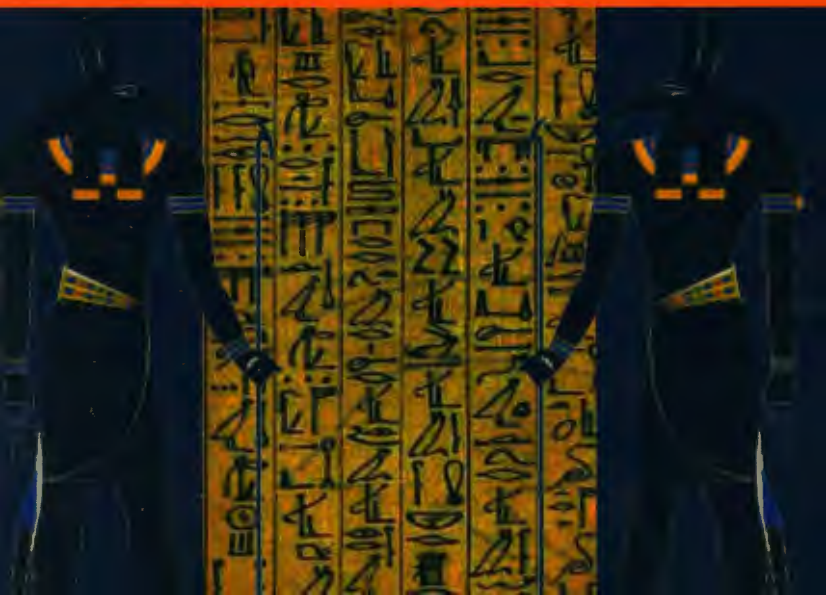


آشنایی با هیر و گلیف

پنلوپه ویلسون

ترجمه

فاطمه ایجی





آشنایی با هیر و گلیف

پنلوپه ویلسون

ترجمه:

فاطمه ایجی



فرهنگ معاصر
انتشارات



فرهنگ معاصر
انتشارات

تهران، خیابان طالقانی غربی، خیابان فریمان، شماره ۲۸، کدپستی: ۱۴۱۶۸۶۴۱۸۲

تلفن: ۵-۶۶۹۵۲۶۳۲؛ واحد فروش: ۶۶۹۷۳۳۵۲؛ فکس: ۶۶۴۱۷۰۱۸

E-mail: farhangmoaserpub@gmail.com - Website: www.farhangmoaser.com



farhangmoaser



@farhangmoaaser

آشنایی با هیروگلیف

پنلوپه ویلسون

ترجمه: فاطمه ایجی

ویراستار: عسکر بهرامی

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی:

واحد کامپیوتر فرهنگ معاصر

چاپ اول: ۱۴۰۱

کلیه حقوق این اثر متعلق به «مؤسسه فرهنگ معاصر» است و هر نوع استفاده بازرگانی از این اثر اعم از زیراکس، بازنویسی، ضبط کامپیوتری به صورت‌های مختلف از قبیل PDF، Online، کتاب صوتی یا تکثیر به هر صورت دیگر، کلاً و جزئاً قابل تعقیب قانونی است.

فهرست‌نویسی پیش از انتشار

سرشناسه: ویلسون، پنلوپه

Wilson, Penelope

عنوان و نام پدیدآور: آشنایی با هیروگلیف/ پنلوپه ویلسون؛ ترجمه فاطمه ایجی.

مشخصات نشر: تهران: فرهنگ معاصر، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۱۷۸ ص. مصور.

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Hieroglyphs : a very short introduction, C2004.

موضوع: خط مصری (خط هیروگلیف)

موضوع: Egyptian language -- Writing, Hieroglyphic

شناسه افزوده: ایجی، فاطمه، مترجم

رده‌بندی کنگره: PJ۱۰۹۷

رده‌بندی دیویی: ۴۹۳/۱۱۱

شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۱۲۹۸۳

ISBN: 978-600-105-259-0

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۵-۲۵۹-۰

فهرست

فصل اول: خاستگاه نوشتار در مصر	۷
فصل دوم: خط هیروگلیف و زبان مصری	۲۹
فصل سوم: هیروگلیف و هنر	۵۷
فصل چهارم: نامتان را می دانم، شما را می شناسم	۸۱
فصل پنجم: دبیران و نوشتار روزانه	۱۰۱
فصل ششم: رمزگشایی مصری	۱۲۳
فصل هفتم: هیروگلیف در جهان امروز	۱۴۷
یادداشتها	۱۵۹
گاهنگاشت	۱۶۷
برای مطالعه بیشتر	۱۶۹
نمایه	۱۷۳

فصل اول

خاستگاه نوشتار در مصر

چشم‌انداز

تمدن مصر باستان تقریباً در میان سالهای ۳۵۰۰ تا ۳۰ پیش از میلاد وجود داشت. این تمدن ناحیه دره و دلتای رود نیل در شمال، از آبشار اول، در کنج شمال شرقی آفریقا، را دربر می‌گرفت. کشور مصر شامل دره نیل به همراه صحراهای واقع در غرب، شرق و جنوب و دریا در شمال و شرق بود. این تمدن همچنین از منابع مختلف سرشاری چون ماهی، پرنده، جانوران وحشی و اهلی، و در نواحی بیابانی از سنگهای گوناگون، فلزات و به ویژه طلا در صحاری شرقی، برخوردار بود. اما مهمتر از هر چیز سیلابی بود که همه ساله زمینهای کشاورزی را با گل و لای تازه، جانی دوباره می‌بخشید.

مردمان مصر آثار و اشیایی از خود به یادگار نهادند با نوشته‌هایی بر روی بسیاری از آنها که امروزه آن نوشته‌ها را به نام هیروگلیف مصری می‌شناسیم. آنان برای نگارش زبان خود و بازگویی جنبه‌های گوناگون فرهنگشان، از نشانه‌های تصویری استفاده می‌کردند. آگاهیهای به دست آمده از این نوشته‌ها نکاتی

را دربارهٔ چگونگی حکومت آنان بر سرزمین و مردم خود، و نیز دربارهٔ باورها و امیدها و رؤیاهای ایشان، به ما می‌گویند. هر چند ما می‌توانیم هیروگلیفها را بخوانیم، این بدان معنا نیست که دربارهٔ مصر باستان همه‌چیز را می‌دانیم، تا اندازه‌ای از آن‌رو که این نوشته‌ها تصادفی باقی مانده‌اند و بخشی از یک پیکرهٔ اصلی هستند و تا اندازه‌ای هم بدان سبب که این نوشته‌ها چیزهایی را حفظ کرده‌اند که از نظر خود مصریان مهم بوده‌اند.

این موضوع ایجاب می‌کند که در راه تفسیر و کوشش برای فهم این نوشته‌ها با دقت بسیار گام برداریم؛ زیرا این منابع، هم تصادفاً و هم تعمداً، یکسویه و جانبدارانه‌اند. با این همه نقطهٔ تماسی با اندیشه‌های مصریان باستان به ما می‌دهند.

زبان‌شناسان امروزه زبان مصری باستان را در ردهٔ زبانهای آفریقایی - آسیایی جای می‌دهند؛ یعنی اینکه با زبانهای بربری و کوشی، و نیز با زبانهای آسیاتیک (یا سامی) همچون عربی و عبری، خویشاوند است. مصریان امروز به عربی مصری سخن می‌گویند و نه به مصری باستان که اینک زبانی مرده است. این زبان باستانی آمیزه‌ای بود از واژه‌هایی که یک نظام دستوری - یعنی زبان مردمانی ساکن در شمال آفریقا و خاور نزدیک - آنها را به هم پیوند می‌داد.

نخستین سنگ‌نگاره‌ها

قدیم‌ترین مردمان درهٔ نیل احتمالاً خاستگاههای مختلفی داشتند که هر یک جنبه‌هایی از زبان و واژگانشان را با خود آورده بودند: یکی از این نواحی، ناحیهٔ دشت‌مانند واقع بر حاشیهٔ

کرانه صحرای غربی بود. اینجا در حدود پنج هزار سال پیش از میلاد مردمانی شکارگر و خوراک فراآور، و گله دار می زیستند که برای ادامه حیات به خوراکیهایی که گرد می آوردند و نیز به دامهایشان، وابسته بودند. آنان نیاز داشتند که چراگاهها و چاههای آب و راههایی را که از کناره صحرای می گذشت، به خوبی در خاطر داشته باشند. چنین خاطرههایی را می شد به صورت شفاهی و احتمالاً به صورت نگاره انتقال داد.

سنگ نگاره های به جامانده از این شکارگران نخستین، در صحرای غربی نواحی جلف کبیر، جبل العوینات و پیرامون واحه الخارجه، یافت شده اند.^۱ این سنگ نگاره ها را می توان سرآغاز نوشتار تصویری - یعنی ابزارهای انتقال فکری یا مفهوم با کشیدن نشانه و به کمک دست افزاری - در این ناحیه دانست. هرچند تعیین تاریخ این نشانه ها دشوار است، برخی از آنها در نزدیکی نواحی مسکونی نوسنگی یافت شده اند و به شیوه زندگی مردم این ناحیه مربوط اند. این سنگ نگاره ها همچنین سرآغاز به تصویر کشیدن مفاهیم، و از جهتی نیاز به ایجاد و تنظیم یک ابزار مشترک ارتباطی، را نشان می دهند. این دو مفهوم ارتباط و نشانه های بصری، مفاهیم اصلی در درک نوشتار و هیروگلیفهای مصری اند.

کهنترین تصویرهای هنر صخره ای چیزهایی را باز می نمایند که برای تصویرگران آنها بیشترین اهمیت را داشته اند. این تصویرها گروه های مختلفی از مردم را با شیوه های متفاوت زندگی نشان می دهند. در جبل العوینات دامپروران بیش از هر چیز دامهایشان را کشیده اند و خود را در حال جست زدن بر روی آنها و

چراغ‌نشان با چوب‌دست‌های خمیده نشان داده‌اند. آنان همچنین با تیر و کمان شتر مرغ شکار می‌کنند. در واحه الخارجه مردانی با پوشش سر و در حال شکار جانوران، از جمله گوزن و زرافه و گاو وحشی بودند و مردمانی از نواحی مرتفع‌تر در شرق، کرگدن و فیل و شتر مرغ شکار می‌کردند. این تصاویر را بر رخنمون‌های سنگی در صحرا، یا با ابزارهای سنگی کنده‌اند، یا با رنگ‌های قرمز یا زرد آخراپی، یا با زغال و به رنگ سیاه، یا با سنگ گچ و به رنگ سفید کشیده‌اند. این جانوران دیگر در این بخش از جهان زیست نمی‌کنند، زیرا این ناحیه اکنون بسیار خشک است؛ اما بی‌گمان در آن زمان، یعنی در حدود اواخر هزارهٔ پنجم پیش از میلاد، برای شکارگران مهم بوده‌اند.^۲ ممکن است شکارگران این تصویرها را پیش از شکار و چونان آرزویی دست‌یافتنی، یا پس از شکار و برای بازگویی آنچه گرفته بودند، نقاشی کرده باشند. بعضی از این صحنه‌ها احتمالاً با داستان‌هایی شفاهی همراه بوده‌اند که شکارگر با آنها یارانش را سرگرم می‌کرده است. در چنین مواردی نگاره‌ها، مانند تصاویر کارتونی موقعیتهایی را تثبیت کرده‌اند، اما آنها ارتباطی شناختی میان نگاره‌ها، واژه‌ها و اصوات را نیز نشان می‌دهند.

بی‌گمان در این دوران مردم چیزهایی را که برایشان مهم بود می‌کشیدند؛ اما ممکن است آنان روی چیزهای دیگری نیز نوشته بوده باشند که اینک موجود نیستند؛ مثلاً روی پوست جانوران، صدف، برگ یا پوست گیاهان و حتی روی تن خودشان. شاید بدنشان را با طرح‌های نقاشی شده خالکوبی می‌کردند و شاید با تصاویری می‌پوشاندند از چیزهایی مهم

نظیر شترمرغی که می‌خواستند روز بعد بگیرند یا گاو نری که همه چیزش مورد نیاز بود. این تصویرها و نگاره‌ها چه‌بسا کاربرد جادوگری نیز می‌داشته‌اند که این هم جنبه مهم دیگری در استفاده از نوشتار در مصر باستان است.

قایقها، چشم‌اندازها و آدمیان

با خشک شدن دشتها که در پی تغییرات جوی رخ داد، خروش سیلابهای رود نیل آرامتر شد و به مردم اجازه داد تا به دره و دلتای نیل بروند و تغذیه با ماهی و پرندگان آبی را آغاز کنند و بر روی زمینهای گلی دشت سیلابی به کشاورزی بپردازند. سنگ‌نگاره‌هایی که تصویر قایق دارند، شاید مربوط به نخستین تماسهای میان شکارگران دشتها و مردم ساکن مسیله‌ها و باتلاقهای دره نیل بوده باشند. در مسیرهای آبی کهن، موسوم به «وادی»، در صحرای شرقی مصر، سنگ‌نگاره‌های بسیاری وجود دارند که قدیمترین نمونه‌های مربوط به مردمان قایقران نیز هستند.

این قایقها اشکال متفاوتی دارند: بعضی دارای کف صاف و ساختاری چهارگوش‌اند و برخی هم دارای انتهای گرد. درون قایقها معمولاً آدمها و پاروزنانی جای دارند، هرچند گاهی تیرکها و جانورانی هم در آنها دیده می‌شوند که این قایق‌ها احتمالاً مربوط بهخدایان کهن یا بزرگان دره نیل بوده‌اند. نخستین تمدنهای پیش از سلسله‌ها در مصر، به ویژه تمدن «نقاده دو» در مصر علیا (حدود ۳۵۰۰-۳۳۰۰ پیش از میلاد) هم تصاویری از قایقها و چشم‌اندازهای صحرا را بر روی سفالهایی کشیده‌اند که در گورها دفن شده‌اند.



تصویر ۱. سنگ‌نگاره‌های دارای نقش جانوران و قایقی با خدایان و قهرمانان.
از محوطه ۲۶ وادی ابوالاصل در صحرای شرقی

شک نیست که در دره نیل قایق برای حمل و نقل، شاید جنگ، تجارت، و برای نشان دادن جایگاه اجتماعی سران آن روزگار (درست مانند لیموزین یا قایقهای تفریحی برای میلیونرهای امروزی) اهمیت داشته و شاید موجب اعتبار بوده است. در مواقعی از سال وادیها پس از بارندگی پوشیده از علف بودند و در این زمان گروههایی برای جمع‌آوری سنگهای نیمه‌قیمتی و سخت، و نیز گیاهان، یا برای شکار حیوانات صحرایی و یا چرانیدن گله و رمه بدانجا می‌رفته‌اند. تصاویر این قایقها همچنین ممکن است برای ساکنان دره یادآور میهن یا نشاندهنده مقام فرستادگان اعزامی به آنجا بوده باشند. بسیار بحث شده است که همچنین ممکن است نشاندهنده گروه اعزامی به دریای سرخ و

دوردستها باشند و اینکه حتی حاکی از تماس واقعی با دیگر بازرگانان مسیرهای رودخانه‌ای خارج از مصر در آن زمان، به ویژه میانرودان، باشند. شاید بعضی از این قایقهای نگاشته بر روی صخره‌ها یا سفالها، نمایشگر داستانهای اسطوره‌ای درباره قهرمانانی بوده باشند که دست به سفرهای مخاطره‌آمیز می‌زدند یا از آن‌سوی مرزهای مصر می‌آمدند. در این زمان مردم این منطقه احتمالاً داستان قهرمانی را می‌دانستند که با دریانوردانی دارای قایقِ گرد، دیدار کرده بودند، یا داستان رسیدن قهرمانی به جزیره اسرارآمیز، یا قهرمانی که سنگ سیاه جادویی صحرا را می‌یابد، یا قهرمانی که طی سفری حماسی، از صحرا می‌گذرد و به دره محبوبش بازمی‌گردد.^۳ همه این تصویرها ممکن است یک داستان، یا هزار داستان متفاوت، را بازگو کنند. دانستن این موضوع برایمان ممکن نیست، زیرا روایت‌های شفاهی به دست ما نرسیده‌اند؛ ولی در اینجا چیزی انتقال می‌یابد و اوج آن را در آرامگاه شماره ۱۰۰ در نخن (هیراکونپولیس) می‌تواند دید.

آرامگاه شماره ۱۰۰ به سالارِ نخن، یکی از حکومت‌های قدیم سلسله‌های مصر، تعلق دارد. این آرامگاه، شامل تعدادی اتاقک کوچک خشتی است و تا اندازه‌ای در زیر سطح صحرا مدفون است. در سال ۱۸۹۶ میلادی که کشف شد، آن را کاملاً غارت کردند، اما دیوارنگاره‌هایش، هرچند آسیب‌دیده، داستان قابل توجهی را بیان می‌کنند. این نگاره‌ها صحنه‌هایی از انواع قایق‌ها با زنانی رقصنده، چشم‌اندازهایی از صحرا، جانوران، شکارچیان، و دستگیری و کشتن زندانیان، و نیز قهرمانی در

حال رام کردن جانوران وحشی را نشان می‌دهند. تاریخ این آرامگاه را با توجه به سبک آن و اطلاعات باستانشناختی دیگر، حدود دوره «نقاده دو»، یعنی حوالی ۳۳۰۰ پیش از میلاد، برآورد کرده‌اند. این صحنه‌ها اوج انواع هنرهای بصری از مصر دوره پیشاسلسله‌ای هستند. آیا این آرامگاه گنجینه مهم‌ترین اسطوره مردم نخن است یا لحظاتی مهم از زندگی کسی - نخستین شکار، آیینهای دینی، یا مرگ وی - است به همراه خانواده‌اش؟ ممکن است داستان باشد یا تبلیغات، یا تخیلات یا زندگینامه آرمانی او.^۴

نگارش نخبگان در آیدوس

اندکی پس از آن، در آیدوس (گورستانی از دیگر سلسله قدیم در آن زمان) حاکمان محلی نیز در آرامگاههای نخبگان دفن شدند با اتاقهای جداگانه برای پیکر سالار در گذشته و برای اقلامی که با او در گور می‌نهادند. مردی که در حدود ۳۲۰۰ پیش از میلاد در گور موسوم به U-۷ دفن شده، بسیار ثروتمند و اقلام همراهش شامل جامههایی بوده است از صمغ یا شراب از ناحیه سوریه - فلسطین، جامی از اُسیدین (نوعی شیشه آتشفشانی سیاه)، عصایی از عاج، و بسیاری چیزهای دیگر، که تنها برچسبشان باقی است. حدود ۱۹۰ برچسب به شکل مستطیل‌های کوچکی از چوب یا عاج پیدا شده که رویشان نشانه‌های هیروگلیفی کنده‌اند و اطلاعات متنوعی دربر دارند. ساده‌ترین آنها اعدادند: یک خط عمودی نشاندهنده یک شیء است، دو خط دلالت بر دو شیء دارد، و ده تا را با شکل نعل اسبی

وارونه، و صند تا را با حلقه نشان داده‌اند. هر برچسب سوراخی در گوشه دارد و می‌شود آن را به کالای مورد نظر آویخت: شاید به جعبه یا کیسه‌ای مثلاً حاوی سه (قواره پارچه)، دو (قرص نان مخصوص جشن). این نشانه‌های عددی قدیمترین نوشته‌های قابل شناسایی از مصرند: این نشانه‌ها مخصوصاً برای دادن اطلاعاتی طراحی شده‌اند که نمی‌توان چیز دیگری از آن استنباط کرد. واحدهای تکی واضح بودند، اما هم نویسنده و هم بیننده باید حلقه‌ها را نیز می‌فهمیدند. گروه دوم برچسبها نشانه‌های گوناگونی را در یک رشته گنج‌کننده از گروههای مرتبط نشان می‌دهند. پژوهشگران آنها را کالاهایی از مناطق مختلف تفسیر کرده‌اند: زیارتگاهی شبیه فیل، به همراه یک فیل واقعی، ممکن است نشان‌دهنده نخن یا اسوان باشد؛ شغال شاید نشانه سرزمینهای شغال در مصر میانه باشد، و این در حالی است که، چه‌بسا کمانگیر نشان‌دهنده قبایل کماندار صحرای شرقی باشد؛ شاید آنهایی که تیر و کمان را برای این حاکم قدرتمند آیدوس پیشکش می‌فرستادند. نوشته‌هایی هم از جاینامهای «بوتو»، «شهر جنگجو»، و «شهر گشتی» وجود دارد که نمی‌دانیم کجایند. احتمالاً پیچیده‌ترین برچسبها فعالیت‌های اجرایی مانند شکار پرنده، ماهیگیری، و تولید پوشاک را نشان می‌دهند که اقامتگاه و حرمرای فرمانروا نظارت مستقیم بر آنها داشت. روی هم‌رفته حدود پنجاه نشانه شناخته شده‌اند: هم نشانه‌های صرفاً آوایی (آوانگار) و هم نشانه‌هایی با ارزش معنایی صرف، که پیشرفته بودن نوشتار در این زمان را نشان می‌دهند.^۵ در آرامگاههای دوره پیشاسلسله‌ای اغلب کوزه‌های سفالینی

یافت شده، ولی ارزش آنها احتمالاً نه به خاطر خود کوزه بلکه به خاطر محتوایشان بوده است: چربی، روغن، ضماد، عطر، آبجو، شراب، صمغ، غله، گوشت، ترشیجات، میوه خشک، یا گوشت خشک شده. ظرفهای سفالین و سنگی، در واقع جعبه‌ها و کیسه‌های پلاستیکی‌شان بودند. اغلب روی این جامها علائمی دایره‌شکل، یک جفت دست یا ضربدر حک می‌کردند یا با جوهر می‌نوشتند و در این موارد، نشانه‌ها در توضیح محتویات نبودند (که بی‌شک برای این کار از برچسبهایی استفاده می‌کردند، زیرا این جامها ممکن بود [هر بار] حاوی چیزی متفاوت باشند). به نظر می‌رسد که این نشانه‌ها، مالکیت خود جام و محتویاتش را نشان می‌دادند، زیرا می‌دانیم از هنگامی که پادشاهیهای مصر در دوره سلسله قدیم، یعنی حدود ۳۱۰۰ پیش از میلاد، با هم متحد شدند، این نشانه‌های سفالی حاوی اسامی شاهان قدیم این کشورند. این نامها به شکل قاب یا خانه‌ای چهار گوش به نام «سِرِخ» یا خرطوش نوشته می‌شوند که نیمی از آن مملو از یک رشته خطوط عمودی است با نشانه‌ای تصویری در نیمه دیگر و شاهینی بر بالای خانه. شاهین علامت شاه است، خانه نشاندهنده اقامتگاه سلطنتی، و نشانه درون خانه، نام شاه به خط تصویری است. منطقی است که مهمترین چیزها که این نوشته معرفی می‌کند باید در میانه باشد. در اینجا نام شاه نشاندهنده مالک جام و محتوای آن است. سِرِخ یک جور بازنمایی سبکی مجموعه کاخ با دیواری دارای نمای فرورفته، و همچنین اولین معرف نام شاه است که در عین حال حامی آن و نماد نهاد تشکیلات کاخ است.

یادمان و حسابداری، مالکیت و نمایش

تا آنجا که بتوان گفت، در آرامگاههای دورهٔ سلسلهٔ قدیم در آیدوس از نوشتار استفادهٔ اندکی شده است. اما ممکن است این تصور نادرست باشد. گورها شکل کوچکتري از خانه‌های شاهان را می‌نمایانند که همهٔ نیازمندیهای زندگی پسین در آنها ذخیره شده است: از خوراک و جامه گرفته تا روغن برای تدهین (شبه ادکلن مردانه پس از استحمام و اصلاح)، به اضافهٔ کالاهای تجملی و زیبایی وارداتی در خور شاه در زندگی پس از مرگ، که مقام شاهی‌اش را بر خدایان آشکار می‌ساختند. به باور آنها مهم بود که مالکیت این اقلام را ثبت کنند تا تردیدی دربارهٔ اش نباشد. همچنین ثبت مقدار و مبدأ کالاهای لازم بود تا زندگان بدانند چه مقدار در آرامگاه گذاشته و بنابراین چقدر از انبار کاخ برداشته‌اند. تصور می‌رود که گزارشهای مربوط به آرامگاه را با گزارشهای انبار کاخ تطبیق می‌دادند و بدین ترتیب خروجی انبار را می‌توانستند محاسبه کنند. بدون شک انبارهای سلطنتی حاوی کالاهایی از سراسر قلمرو شاه و روابط تجاری بودند و هر انبار بایستی گزارشهای حسابداری، مالیات و خراج پرداختی به شاه را می‌داشته است؛ یعنی آنچه عملاً پرداخت می‌شد و زمانی که آن را به کاخ می‌فرستادند. آرامگاه جزو سازمان عظیم حکومتی بود و به کارگیری نوشتار در آن، از وجود تشکیلات حسابداری کلانی خبر می‌دهد. گفتن اینکه ابداع نوشتار با اهداف مالی بوده است، به نظر جذابیت چندانی ندارد؛ اما خواه این مطالب برای انبار ثبت می‌شدند و خواه برای دنیای پس از مرگ، هدف یکی بوده است.

آرامگاه همچنین مرکزی برای مراسم مربوط به شاه در گذشته بود، و نه فقط وسیله‌ای برای انتقال او به جهانی دیگر برای زیستن با خدایان نیاکان، بلکه صحنه‌ای کوچک هم برای نمایش قدرت و منزلتش فراهم می‌کرد. در این فضا، معماری آرامگاه، نیروی زندگی دوباره را به سوی روان شاه که هستی‌اش با حضور نام هیروگلیفی او تضمین شده است، هدایت می‌کند. دِن (یا دِون)، یکی از نخستین شاهان بزرگ مصر، در حدود ۲۸۰۰ پیش از میلاد می‌زیست. او بر قلمرو یکپارچه‌ای با مرکزیت شهر عنب‌حج، یعنی «دیوارهای سفید» (ممفیس)، حکمرانی می‌کرد و آرامگاهش در آیدوس راهنمای خوبی است برای نشان‌دادن اینکه چه مقدار مطالب نوشتاری ممکن است در آن زمان تولید شده باشد.

در ورودی آرامگاه دو ستون یکپارچه هست: لوحه‌های سنگی نوشته‌شده‌ای که تنها نام شاه را دربر دارند. این نوشته در درون چهارگوش «سِرِخ» است همراه با شاهینی، نماد حوروس خدا، بر بالای آن. در درون آن دو هیروگلیف هست که نام خدا را تشکیل می‌دهند: دست انسان و نشانه آب موج‌زن، یعنی دِن. درون این آرامگاه برچسبهای حکاکی‌شده و مهرنگاره‌های سفالین بسیاری یافت شده‌اند و بر آنها نام دوم شاه که خَسْتی یا سِمْتی خوانده می‌شود، نیز ثبت شده است. برخی از برچسبها «رویدادها» یا «جشنهای» دوران سلطنت شاه را ثبت کرده‌اند و در واقع گزارش حسابرسی سالانه (سالنامه) دوره حکومت اویند. این برچسبها این نوع زندگی اسطوره‌ای، یعنی زندگی یک شاه موفق، را گزارش می‌کنند.

بررسی دقیق یکی از برجسبهای دن از آبیروس نشان می‌دهد که استفاده از هیرو گلیفها و نگاره‌ها تا کجاها رسیده بود.

این برجسب چوبی (موزه بریتانیا ۳۲/۶۵۰) در اندازه ۸ در ۵/۴ سانتیمتر است و متن روی آن از راست به چپ خوانده می‌شود. در بالای راست برجسب، سوراخ و نشان بلند قائمی وجود دارد و در انتهای سمت راست آن برگ دنداندار نخلی به معنای «سال» هست، که چنین خوانده می‌شود: «سال...». در صفحه سمت راست بالا، تصویر شخصی نشسته بر سکوی پله‌ای درون اتاقکی دیده می‌شود که تاج سفیدی بر سر و تازیانه‌ای در دست دارد. در مقابل او شخصی است که تاج دوگانه مصر علیا و سفلا را بر سر دارد و با تازیانه و ترکه‌ای در دست میان دو دسته نشانه نیمکره‌ای شکل می‌دود. این رخداد جشن سد و هنگامی است که شاه پس از دوره‌ای حکومت، با دویدن مسیری مشخص، شایستگی و توانایی خود را ثابت می‌کرد.



تصویر ۲. برجسب دن از آبیروس

صحنه زیرین وضوح کمتری دارد، اما به نظر محوطه‌ای محصور و حاوی چندین هیروگلیف، شاید نام شهری، را نشان می‌دهد. در سمت چپ، چیزی بوده که آن را نگاره زنی چمباتمه‌زده دانسته‌اند با چندین هیروگلیف در جلوی او که ممکن است نام او باشد. پشت سرش مردی با پوشش سر دیده می‌شود که پارویی و عصایی در دست دارد. سه هیروگلیف بالای این مرد، جامی با پاهای آدمی، یک توپ پارچه، و احتمالاً نشانه کرکس، را نشان می‌دهند. پشت سر او دو نشانه بالا نام دوم دِن را بیان می‌کنند و نشانه پایینی نوعی ضریح قابل حمل است. صحنه آسیب‌دیده زیرین شامل هیروگلیف پرنده، زمین و گیاه است. منطقه وسیعی در سمت چپ حاوی سِرخی است که نام دِن را دربر دارد و در سمت چپ آن عنوان «مهردار شاه مصر سفلا»، و نام «هَمَکَه» (نوشته شده با یک طناب تاییده، یک داس، و یک جفت دست) است. هم‌که از مقامات مهم و قدرتمند دِن بود. در سمت چپ، چهار گوش دیگری شامل نشانه‌هایی وجود دارد که آخرین آنها کلمه‌ای به معنی «ساختن» است. در زیر آن کلمه‌ای به معنای «خانه شاه» قرار دارد و در پایینتر سمت چپ صحنه هیروگلیفی را می‌توان تشخیص داد که به «تخت حوروس» و یک سکو یا شاه‌نشین اشاره دارد. این نشانه‌ها به نظر حاکی از آن است که این برجسب بر روی کوزه روغن به کار می‌رفت و شاید تاریخ تولید یا خاستگاه دقیق آن را نشان می‌دهد؛ یا اینکه این روغن ارتباطی نمادین با رویدادهای ترسیم‌شده داشته یا روغن تدهین یا روغن پیشکشی بوده است. این لوحه عبارت «سال جشن سد، آغاز جشن از یک درگاه

ورودی زیبا» را ثبت کرده و احتمالاً ارتباطی با ساختمان کاخ شاه داشته است.

همان‌طور که از این تفسیر نیم‌بند معلوم می‌شود، این نشانه‌ها اطلاعات زیادی به دست می‌دهند و همچون دستگاه نوشتاری کاملی عمل می‌کنند.

در کل ۳۱ قطعه برجسب سالنامه‌ای این چینی از آرامگاه دِن شناخته شده‌اند که رویدادهایی چون «سفر ریوت بر روی دریاچه» یا «گرفتن گاونر و حشی نزدیک بوتو» را بیان می‌کنند. سنت مشخصی هم برای ثبت رویدادهای دینی و نیز اقتصادی وجود داشته است. از آرامگاه دِن اشیای کتیبه‌دار دیگری هم یافت شده‌اند، از جمله ستونی سنگی حاوی نام دفن شدگان همراه شاه، مهره‌های بازی نوشته‌دار، و مهرنگاره‌های سفالین. برخی از آنها تکرار رویدادهای آیینی هستند از روی برجسبهایی نظیر شکار اسب آبی با نیزه توسط شاه مصر سفلا، که البته نام شاه را هم دارند. هیجان‌انگیزترین شیء شخصی به دست آمده از آرامگاه دِن، سرپوش جعبه‌ای از جنس عاج است که کتیبه‌اش نشان می‌دهد این جعبه حاوی مُهر مقام وی بوده است.^۶

اشاره‌ای هم هست که در معابد کیش، نمایش قدرت سلطنتی وابسته بود به نوشته‌های هیروگلیفی و تصاویر مناسک یا رویدادهای یادمانی. مشهورترین نمونه از این روزگار لوحه نارمر یا نَعرَمَر، ظاهراً از سلسله ۱-۱۰ (حدود ۱۳۰۰ پیش از میلاد)، از جنس سنگ لوح و دارای نقش برجسته است. این اثر که در نَخْن پیدا شده است، شاه نارمر را نشان می‌دهد که نامش با

هیروگلیفهای گریه‌ماهی و اسکنه، به منزله شاه قلمروهای مصر شمالی و جنوبی، نوشته شده است. نارمر در مقام شاه قلمرو مصر جنوبی، احتمالاً با مرکزیت نخن، در صدد از بین بردن دشمنی است که فرهنگی متفاوت دارد. مرگ وی نشان داده نشده است، زیرا اللحظة تصویر شده دقیقاً پیش از اقدام شاه است و او می‌تواند زندگی را اعطا کند یا بگیرد. شاه قلمرو شمالی، احتمالاً با مرکزیت نوبه (ئومبوس)، به همراه پسر یا مردی که صندل‌های او را حمل می‌کند و شخصی با کلاه گیس سنگینی بر سر و پلنگینه‌ای به تن، در رژه پیروزی شرکت دارد و از اجساد بی‌سر دشمنانش بازدید می‌کند؛ شخص دیگری هم حضور دارد که یا وزیر اعظم است یا کاهنی عالی مقام. اگرچه این گونه لوح معمولاً هنگام نرم کردن رنگها برای استفاده در آرایش بدن به کار می‌رفت، اندازه این لوح، تزئینات و هیروگلیف روی آن، نشان می‌دهد که برای نمایش در رژه یا در صحن معبد حوروس در نخن به کار می‌رفته است. این اثر یادمانی است از اقدامات نارمر و سرسپردگی وی به حوروس خدا.

مواد نوشتاری

تا روزگار سلسله قدیم، اصول و ضوابط نگارش می‌بایست جایگاهی استوار در دستگاه سلطنت مصر یافته باشد، تا چنین جامعه پیچیده‌ای را بتوان با سازمانی منسجم اداره کرد. در این مورد، به وضوح، نگارش و اندیشه پشت آن از خیلی پیشتر می‌آمد، اما برای ما دشوار است که رد همه مراحل تحول آن را دنبال کنیم. سفال نقشدار نقاده سند نوشتاری کاملی نیست، اما اگر

این قبیل اسناد قدیمی ساخته شده از بوریا، پاپیروس، تخته، رس و گل می بودند، باقی نمی ماندند، زیرا آنها را در گورستانهایی که بیشتر مواد نوشتاری از آنجا آمده اند، دفن نمی کردند.

پیدایی پاپیروس نیز عاملی مهم در رشد نگارش به منزله ابزاری ارتباطی بود. این ماده را از مغز نئین و توپُر گیاه پاپیروس تهیه می کردند و چون آن را به شکل نوارهای نازکی می کوبیدند، پس از خشک شدن، سطح خوب و نرمی برای نوشتن می شد که حملش آسان بود و می شد آن را لوله کرد و بارها به کار گرفت. می دانیم که مصریان حصیربافان و سبدبافان ماهری بودند، بنابراین از روزگار نوسنگی به کار با همه نوع نی و علف عادت داشتند. دور نیست که آنان ساخت پاپیروس و استفاده از آن در نوشتن یا نقاشی کردن پیامهای قابل حمل را از دوره پیشاسلسله ای آغاز کرده باشند. همچنان که از آرامگاههای سلطنتی سلسله قدیم می توان دید، مصریان از سطوح نوشتاری مختلفی استفاده می کردند: برجسبهایی از استخوان، عاج و چوب بر روی کوزه ها برای نوشته های کنده کاری شده؛ سفال برای نوشته هایی با جوهر؛ ستونهای سنگی با کتیبه نام شاه؛ لوحهای سنگی با تصویر. مَهرنگاره هایی هم هستند که آنها نیز مالکیت شاه را نسبت به انواع کوزه ها و محتویاتشان نشان می دهند. یک طومار پاپیروس در سقاره در آرامگاه همکه، از مقامات سلسله اول، به دست آمده، اما خالی و استفاده نشده است.

مهرها هم به عنوان ابزاری برای تکثیر ساده نشانه های نوشتاری اهمیت دارند، زیرا یک مهر برای ایجاد تعداد زیادی اثر به کار

می‌رود. از این مهرهای اولیه استوانه‌ای شکل و از جنس سنگ یا چوب، نمونه‌هایی باقی مانده است. مهر استوانه‌ای سوراخی در وسط دارد و بر سطح بیرونی استوانه نوشته‌هایی کنده کاری شده، معمولاً نام شاه یا کلمات دیگر یا یک صحنه، دیده می‌شود. وقتی ریسمان یا چوبی داخل سوراخ قرار بگیرد، می‌توان آن را روی خاک رس مرطوب یا گل غلتاند؛ بدین ترتیب اثر مهر بر روی سطح گل به خوبی می‌ماند. در مصر قدیم این روشی معمول برای مهر کردن کوزه بوده است، اما مهر استوانه‌ای را احتمالاً مردمان میانرودان اختراع کرده بودند. حقیقت این است که چون مصریان مهر استوانه‌ای را از آنان گرفتند، برخی تصور کرده‌اند که اندیشه نگارش و به خصوص نگارش تصویری (هیروگلیف) نیز از میانرودان آمده است.

تأثیر میانرودان؟

میانرودان، سرزمین میان دو رود دجله و فرات، و ناحیه‌ای در عراق کنونی بود. حدود ۳۵۰۰ پیش از میلاد تمدن میانرودان بر سرزمین سومر با پایتختی اور، استوار بود که با شهرهایش، جامعه‌ای قدرتمند و پیچیده داشت، و دارای دستگاه نگارش و نظام اداری کاملاً پیشرفته‌ای برای نظارت بر مالیاتهای دریافتی و اداره منابع مازاد کشاورزی بود. احتمال دارد که این سرزمین با دره نیل به نوعی ارتباط برقرار کرده باشد؛ شاید از راه دریایی یا زمینی، که باعث می‌شد هم به مصر شمالی و هم از طریق مسیلهای وادی، به مصر سفلا و اولین پایتختهای اصلی آن، نقاده، نخن و احياناً طیس، دسترسی پیدا کنند.

احتمالاً میانرودان به مواد خام مصر نظیر طلا، غلات و سنگ نیاز داشته و مصر نیز خواستار کالاهایی میانرودانی، همچون قلع و الوار، بوده است. همچنین به نظر می‌رسد که صادرات و وارداتی ناپیدا نظیر اندیشه‌های فنی، تحولات فرهنگی، و انسانی، نیز میان آنها وجود داشته است. احتمال دیدن بعضی ویژگیهای فنی و فرهنگی میانرودان در طی دوره پیشاسلسله‌ای و آغاز دوره سلسله قدیم مصر وجود دارد: خشت، معماری با دیوارهای تورفته، خانه‌های زیرزمینی (هر دو در معادی)، و بنمایه هنری «مردی دیوی را رام می‌کند» (آرامگاه ۱۰۰). نگارش تصویری هم می‌توانسته در زمره مقولاتی بوده باشد که وارد مصر شدند. در میانرودان زبان سومری را با خطی تصویری بر روی لوحهای گلی می‌نوشتند و بر مهرها می‌کنند. از حدود ۳۵۰۰ پیش از میلاد، دستگاه اداری این حکومت، از نگارش خاصی برای ثبت معاملات و نگهداری حسابها استفاده می‌کرد. شاید از شواهد باستانشناختی هرگز نتوانیم دقیقاً بگوییم مصر تا چه اندازه تحت تأثیر عوامل بیرونی بود؛ ولی اگر هم تماسی بوده است، مصریان کار را پی گرفتند و دستگاه نگارشی خود را، برای کاربردهای خاص خویش و بدون گرفتن چیزهای بیشتری از خارج، پدید آوردند.

هرچه کارهای باستانشناسی بیشتری در مصر انجام شود، ممکن است شواهد بیشتری از کاربرد نگارش در دوره‌های قدیمتر به دست آید. از این گذشته همچنین محتمل می‌نماید که تماسهای قدیم میان مصر و میانرودان ردی واقعی به جای نگذاشته باشند و نهایتاً هر دو تمدن دستگاه نگارش خود را

مستقلاً به وجود آورده باشند. تعیین تماس میان این دو، اگر نگوییم غیرممکن، دست کم دشوار است؛ ولی از آنجا که هر دو وضعیت کشاورزی و جغرافیایی یکسانی دارند، جای تعجب نیست که هر دو نیازهای مشابهی برای اداره حکومت و منابعش می داشته‌اند. جالب این است که در میانرودان خط تصویری، خیلی زود جای خود را به نگارش کارآمدتر دستگاهی با استفاده از شکل‌های سه گوش داد که امروزه آن را به نام خط میخی می‌شناسیم. در این فاصله مصریان یک صورت دووجهی نگارش را پدید آوردند و خط تصویری را برای اهداف خاص نگه داشتند.

انگیزه و قانون

در آرامگاه دِن، نگارش برای ذکر نام و معرفی، نگاهداشت حسابها، و ثبت رخدادهای آیینی خاص مربوط به شاه به کار رفته است. یادکرد این گزارشهای اساسی، منزلتی آیینی به دست آورد که سپرده‌های آرامگاههای سلسله قدیم و معبد سلسله قدیم تنها شواهد باستانشناختی ما از آنها هستند. یحتمل این گزارشها فقط مربوط به محیط نخبگان نسبتاً نادر هستند و علایق آنها را گزارش می‌کنند و به نظر می‌رسد که در اقامتگاههای این دره و دلتا نگارش به ندرت برای یادمانهای سلطنتی به کار می‌رفته است. با این حال احتمالاً این نکته در مورد همه جا نمی‌تواند صادق باشد و مراکز اداری اصلی مصر سندهای گوناگونی داشته‌اند که هیچ کدام باقی نمانده‌اند. در واقع موفقیت حکومت مصر مبتنی بر سازماندهی عظیم مازاد

کشاورزی بود، به طوری که می شد آن را برای تأمین کسانی که در طرحهای غیر کشاورزی شاه کار می کردند، نظیر پیشه‌وران، دیوانیان، ارتش، مأموران اعزامی و درباریان، به کار گرفت.

برنامه یک ساله مبتنی بر یک رخداد خاص نجومی بود. لحظه جاری شدن زمانی بود که ستاره شباهنگ (شعرا یمانی) پس از هفتاد روز غیبت در مصر ظاهر می شد. این تقارن نشانه آغاز سال اداری بود و همه چیز را ثبت می کردند. زمان درخشش شباهنگ — ایزدبانو سِپِدِت در مصر — و به خصوص ارتفاع سیلاب را با نهایت دقت ثبت و بازبینی می کردند. سیلاب حدوداً از میانه جولای [اواخر تیرماه] آغاز می شد، تقریباً سه ماه دلتا و دره نیل را فرا می گرفت و سپس فرو می نشست. در آسوان ارتفاع مطلوب حدود بیست ذراع (ده متر)، در نزدیک قاهره دوازده ذراع (شش متر) و در دلتا حدود هفت ذراع (سه و نیم متر) بود. اگر آب بیشتر می شد، ممکن بود کشتزارها و خانه‌ها را نابود کند؛ ولی اگر سیلاب کم می شد، آب کافی برای تولید خوراک و مازاد کشاورزی به زمینها نمی رسید. بنابراین جنوبی ترین بخش مصر در آسوان یکی از نقاط مهم کشور برای اندازه گیری ارتفاع آب بود. مأموران شاه همین که از میزان ارتفاع آب آگاه می شدند، قادر می بودند طبق گزارشهای موجود در بایگانی، حساب کنند که چقدر مالیات می توانستند جمع آوری کنند و براساس آن چه طرحهایی را می شد برای عظمت پادشاه راه اندازی کرد. ریز این ارقام را در می آوردند، به طوری که وقتی حدود سه ماه بعد سیلاب فروکش می کرد، دبیران می توانستند میزان دقیق زمین را مشخص کنند و کشاورزان را از مبالغ مورد انتظار آگاه

سازند. از نخستین نشانهٔ آغاز سیلاب در آسوان، شاه می دانست چه طرحهای ساختمانی ای را می تواند پیشنهاد دهد، چه تعداد هنرمند و متخصص را می توانست به کار گمارد و شاید هم اینکه هزینهٔ چند لشکر کشی به سرزمینهای دیگر را می توانست تقبل کند. به هنگام اندک بودن سیلاب، شاه می دانست که لازم است هوشمندانه منابعش را ذخیره کند و شاید کارهای ساختمانی و هدایایش به معابد را کاهش دهد.

تمام اینها با گزارش گیری دقیق و بایگانیهای دسترس ممکن می شد. هر پادشاه شایسته ای روی برنامهٔ آموزش نگارش سرمایه گذاری و حتی شاید خود در آن شرکت می کرد. بنابراین اندازه گیری، شمارش، حسابرسی و جمع آوری مالیات دلایل انگیزهٔ عملی برای پیدایش یک دستگاه نگارش دقیق در مصر بودند. دلایل اعتقادی پیدایش نگارش مربوط به ثبت این اطلاعات و تثبیت منزلت شاه در این دنیا، دنیای دیگر، و در قلمرو خدایان بودند.